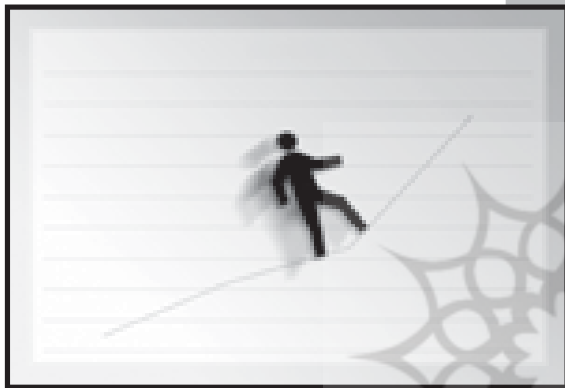


# مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری در مقابل مدیریت واقعی سود

مهدی ناظمی اردکانی (کارشناس ارشد حسابداری)



به طور کلی، مدیریت سود از دو طریق امکان پذیر است: مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری و مدیریت واقعی سود. در حالت اول مدیریت از طریق ارقام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می‌پردازد. اما در حالت دوم، مدیریت با اتخاذ برخی تصمیمات عملیاتی و به عبارت دیگر دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به مدیریت واقعی سود روی آورده به سود مورد نظر خویش دست می‌یابد. در این مقاله، این دو نوع مدیریت سود با تاکید بر شکل دوم توضیح و سپس تفاوت‌های این دو نوع بیان می‌شود. نتیجه‌گیری مقاله این است که، با وجودی که معمولاً حساب‌برسان به‌سختی قادر به کشف مدیریت واقعی سود هستند، اما مدیریت واقعی سود باعث می‌شود که عملکرد عملیاتی شرکت در بلند مدت کاهش یابد و شرکت دچار لطمات جبران ناپذیری گردد.

## مقدمه

فرایند اندازه‌گیری سود و نتیجه‌ی آن نقش مهمی در اداره‌ی شرکت دارد و معمولاً کاربران صورت‌های مالی اهمیت زیادی برای آن قائلند. از آن‌جا که محاسبه‌ی سود بنگاه اقتصادی متأثر از روش‌های برآوردی حسابداری است و تهیه‌ی صورت‌های مالی به‌عهده‌ی مدیریت واحد تجاری است، ممکن است بنا به دلایل مختلف، مدیریت اقدام به مدیریت سود نماید (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷).

هلی و والن (۱۹۹۹) بیان می‌کنند که «مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دست‌کاری نمایند. این هدف یا به قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت یا تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که

(۱۹۸۹) و بعید به نظر می‌رسد که به عنوان تخلف از قوانین تشخیص داده شود.

## شیوه‌های مدیریت سود

به طور کلی مدیریت سود از دو طریق انجام می‌شود: (۱) دست‌کاری در ارقام تعهدی اختیاری و یا (۲) دست‌کاری در فعالیت‌های واقعی.

سود حسابداری منطبق با استانداردهای پذیرفته‌شده‌ی حسابداری به دلیل وجود برخوردهای جایگزین برای رویدادهای حسابداری که مجاز شناخته شده‌اند، مورد دست‌کاری قرار گیرد.

به طور خلاصه، شیوه‌های مدیریت سود به شرح زیر است و هریک از این شیوه‌ها در قالب یکی از دو شکل بالا طبقه‌بندی می‌شود:

(۱) انتخاب رویه‌ی حسابداری: انتخاب رویه‌های حسابداری بر زمان‌بندی شناخت درآمدها و هزینه‌ها در محاسبه‌ی

انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود شخصی است». این محققان دو شکل از مدیریت سود را مستند می‌کنند. شکل اول، شامل انتخاب روش‌های حسابداری مناسب برای دستیابی به سطوح مطلوب و موردنظر سود (به عبارت دیگر، مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری) است، و شکل دوم از زمان بندی و/یا میزان تصمیمات عملیاتی برای دستیابی به سود مطلوب و مورد نظر بهره می‌گیرد (به عبارت دیگر، دست‌کاری فعالیت‌های واقعی). شکل اول مدیریت سود یعنی مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری، نسبتاً در سال وقوع تغییر مشخص است که ممکن است حساب‌برس آن را به شیوه‌ای مرسوم مشخص سازد. ممکن است تشخیص شکل دوم که از طریق تصمیمات عملیاتی صورت می‌گیرد، برای شخص خارج از شرکت سخت باشد (شیپیر،

سود تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال: رویه‌هایی که شناخت درآمدها را به جلو و تشخیص هزینه‌ها را به تأخیر می‌اندازد، سود گزارش شده را افزایش می‌دهد.

۲) استفاده از رویه‌ی حسابداری/برآوردهای اختیاری: حتی بعد از این که مدیریت شرکت رویه‌های حسابداری را انتخاب کرد، هنوز این اختیار وجود دارد که چگونه اصول حسابداری به کار گرفته شوند. به عنوان مثال، در مورد برآورد عمر خدمات، ارزش اسقاط، عمر دارایی‌های نامشهود، نرخ سوخت حساب‌های دریافتی و ... اختیار وجود دارد.

۳) زمان‌بندی رویه‌ی حسابداری: مدیریت همچنین اختیار دارد که چه موقع و چه گونه رویدادها را شناسایی کند. هنگامی که رویدادهای حسابداری نیازمند افشا در صورت‌های مالی هستند. به عنوان مثال در مورد دارایی‌های معیوب و خراب این اختیار وجود دارد که چه مقدار از آن را مستهلک کنیم.

۴) زمان‌بندی: زمان‌بندی تحصیل و خرید دارایی‌ها می‌تواند بر سود حسابداری تأثیر بگذارد. مدیریت می‌تواند زمان و مقدار سرمایه‌گذاری در هزینه‌های تحقیق و توسعه، تبلیغات و نگهداری را انتخاب نماید، هر سه مورد به عنوان هزینه‌ی دوره در دوره‌ای که تحمل می‌شود، شناسایی می‌شوند. مدیریت همچنین در مورد زمان‌بندی فروش اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات برای تسریع بخشیدن یا به تأخیر انداختن شناخت سود و زیان تصمیم می‌گیرد.

مدیریت ارقام تعهدی اختیاری از طریق تغییر فعالیت‌های اقتصادی اساسی یک شرکت صورت نمی‌گیرد بلکه از طریق انتخاب روش‌های حسابداری و برآوردهای حسابداری انجام می‌شود. این در حالی است که دست‌کاری فعالیت‌های واقعی از طریق تغییر فعالیت‌های اساسی یک شرکت صورت می‌پذیرد. چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور در مورد مدیریت ارقام تعهدی اختیاری تحقیقات زیادی صورت گرفته است اما در داخل کشور تحقیقات بسیار کمی در

حوزه‌ی دست‌کاری فعالیت‌های واقعی انجام شده است.

### مدیریت واقعی سود (دست‌کاری فعالیت‌های واقعی)

شیپیر (۱۹۸۹) در تحقیق خود عنوان کرد که مدیریت سود می‌تواند فعالیت‌های واقعی را نیز شامل گردد. این نوع مدیریت سود از طریق تغییر در فعالیت‌های عملیاتی با هدف گمراه کردن ذی‌نفعان انجام می‌شود. دست‌کاری فعالیت‌های واقعی بر جریان‌های نقدی و در پاره‌ای از موارد بر ارقام تعهدی تأثیر می‌گذارند (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷).

روی چودهری (۲۰۰۶) این گونه بیان می‌کند که اگرچه این گونه انحرافات در عملیات شرکت در رسیدن به اهداف گزارشگری مالی به مدیر کمک می‌کند، لیکن ارزش شرکت را افزایش نمی‌دهد. روش‌های دست‌کاری فعالیت‌های واقعی مانند کاهش قیمت فروش محصولات به منظور افزایش فروش و یا کاهش مخارج اختیاری در بحران‌های اقتصادی، از جمله روش‌های بهینه‌ای هستند که به مدیران کمک می‌کند. ولی اگر مدیران به صورت گسترده و غیرعادی به استفاده از روش‌های مذکور علاقه نشان دهند، در واقع آن‌ها به مدیریت واقعی سود تمایل دارند و وجود سرمایه‌گذاران خبره و آگاه دست‌کاری فعالیت‌های واقعی را محدود می‌کند. بنابراین اگرچه مدیران با انجام چنین فعالیت‌هایی می‌توانند به سودهای موردنظرشان در کوتاه‌مدت دست یابند لیکن آن‌ها در بلندمدت نخواهند توانست ارزش شرکت را افزایش دهند (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷). کوهن و زاروین دست‌کاری در فعالیت‌های واقعی را اعمالی می‌دانند که مدیران انجام می‌دهند و ناشی از روند عادی فعالیت‌های واحد تجاری است (کوهن و زاروین، ۲۰۰۸). این تعریف، مطابق تعریف روی چودهری است که

دست‌کاری فعالیت‌های واقعی را این گونه تعریف می‌کند:

«اعمال مدیریتی که از فعالیت‌های عادی تجاری ناشی می‌شوند، و در رابطه با هدف اولیه‌ی برآورده سازی آستانه‌های خاص سود انجام می‌پذیرند (روی چودهری، ۲۰۰۶).»

### پیامدهای دست‌کاری فعالیت‌های واقعی

شیپیر (۱۹۸۹) مدیریت سود را بدین صورت تعریف می‌کند: «دخالتمندی در فرآیند گزارشگری مالی خارجی با هدف دستیابی به برخی منافع شخصی.»<sup>۱</sup> تمایل به دستیابی به قیمت بالای سهام و/یا سطح مطلوبی از سود، مدیران شرکت را بر آن می‌دارد تا به مدیریت سود روی آورند. به منظور دستیابی به سطح موردنظر سود، مدیران می‌توانند تا پایان سال صبر کنند و از ارقام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود گزارش شده استفاده نمایند. اما این راه کار ممکن است این ریسک را در پی داشته باشد که مقدار سودی که برای دست‌کاری مدنظر است از ارقام تعهدی اختیاری موجود بیش تر باشد زیرا اختیار در مورد ارقام تعهدی از طریق اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری<sup>۲</sup> محدود شده است (بارتون و سیمکو، ۲۰۰۲).<sup>۳</sup> همچنین فرض بر این است که رویدادهای اقتصادی اساسی یک شرکت، توانایی مدیران را برای گزارش سود معوق (تعهد شده) دچار محدودیت می‌سازد. در نتیجه، این امکان وجود دارد که مدیران نتوانند از طریق ارقام تعهدی اختیاری در پایان سال به سود مورد نظر خویش دست پیدا کنند. مدیران می‌توانند از طریق دست‌کاری فعالیت‌های عملیاتی واقعی<sup>۴</sup> در طول سال این ریسک را کاهش دهند. دست‌کاری‌های فعالیت‌های واقعی کم‌تر در معرض محدودیت است. مزیت دیگر جایگزین کردن فعالیت‌های واقعی برای دست‌کاری سود، این است که حساب‌رسان و

کنند. سوماً، نتایج تحقیق بار-گیل و بیچاک<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۳) نشان داد که دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، هزینه‌های اقتصادی واقعی به دنبال دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌ها ممکن است پروژه‌های کارآمدی را با هدف حداکثرسازی سود شرکت انتخاب نکنند. این موضوع در مطالعه‌ی تجربی هوجارچ و لیبی<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۵) تأیید شده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که مدیران اغلب پروژه‌هایی را انتخاب می‌کنند که باورشان بر این است سود کوتاه‌مدت (و قیمت) را به حداکثر خواهد رساند. اگرچه مطالعات کمی حاکی از آن است که مدیران عملکرد بلندمدت را قربانی انگیزه‌های مربوط به سود کوتاه‌مدت می‌کنند، تحقیقات تجربی کمی وجود دارد که این مسأله را به طور مستقیم مورد آزمون قرار داده باشند.

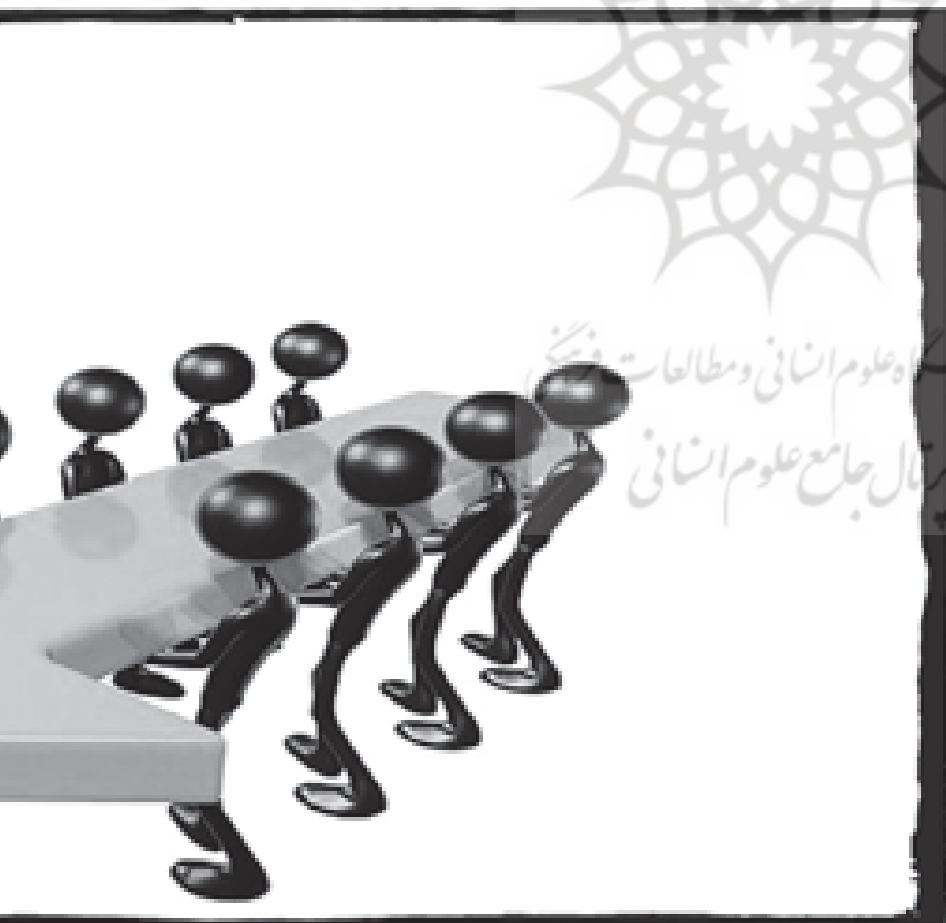
که شرکت باردیگر قیمت‌های قدیمی را وضع می‌کند احتمالاً از بین می‌روند. در واقع، این عمل سودآوری آتی را به دوره‌ی جاری منتقل می‌سازد. در نتیجه، سودآوری آتی ممکن است به‌واسطه‌ی مدیریت فروش مورد آسیب واقع گردد. در کل، هنگامی که مدیران، سود را از طریق فعالیت‌های واقعی دست‌کاری می‌کنند، معمولاً شرکت را دچار آسیب و زیان می‌کنند. اول این که، هنگامی که مدیران، سود را در جهت برآورده ساختن اهداف سود دست‌کاری می‌کنند، قراردادهای شرکت را ملزم می‌کند تا پاداش مالی بیشتری به این مدیران بدهند و در درجه دوم، وقت و انرژی‌ای که مدیران صرف دست‌کاری فعالیت‌های واقعی می‌کنند اغلب همان وقت و انرژی‌ای است که می‌بایست صرف فعالیت‌های تولیدی و سودآور

قانون‌گذاران کم‌تر به چنین رفتارهایی توجه می‌کنند. با این وجود، دست‌کاری فعالیت‌های واقعی چندان بدون هزینه هم نیست چرا که این احتمال وجود دارد که جریان‌های نقدی در دوره‌های آتی به طور غیرمستقیم (منفی) تحت تأثیر اعمالی قرار گیرد که در حال حاضر برای افزایش سود انجام می‌شود.

بسیاری از شواهد موجود پیرامون دست‌کاری فعالیت‌های واقعی بر کاهش فرصت‌طلبانه‌ی هزینه‌های اختیاری از جمله هزینه‌های تحقیق و توسعه متمرکز است (برای مثال تحقیقات بوش<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۸؛ بابر و همکاران<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۱). اگر چه کاستن از هزینه‌های اختیاری می‌تواند سود را در جهت برآورده ساختن برخی اهداف خاص، ارتقا بخشد اما ریسک کاهش جریان‌های نقدی عملیاتی (CFO)<sup>۱۷</sup> آتی را موجب می‌شود زیرا این عمل به طور کلی جریان‌های خروجی وجه نقد را کاهش می‌دهد و در عوض تأثیری مثبت بر روی جریان نقدی عملیاتی جاری دارد. در سال‌های بعدی، این تأثیر مستقیم ممکن است معکوس شود.

توماس و زانگ<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۲) شواهدی پیرامون دست‌کاری فعالیت‌های واقعی از طریق اضافه تولید<sup>۱۹</sup> ارائه می‌دهند. به عبارت دیگر، مدیران بیش از مقدار لازم برای فروش و سطح عادی موجودی کالا، تولید می‌کنند و از این طریق بهای تمام‌شده‌ی کالای فروش رفته (COGS)<sup>۲۰</sup> گزارش شده را کاهش داده و در نتیجه سود گزارش شده افزایش می‌یابد. اگرچه این راه‌کار حاشیه‌ی سودآوری<sup>۲۱</sup> را بهبود می‌بخشد، اما شرکت متحمل هزینه‌هایی می‌گردد و سطح عادی جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت را کاهش می‌دهد.

نتایج تحقیق روی چودهری<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۶) حاکی از آن است که مدیران تخفیفات قیمتی ارائه می‌دهند تا از این طریق میزان فروش را ارتقا بخشند. مدیران زمینه‌ی تخفیفات فروش را نزدیک به پایان سال مالی فراهم می‌آورند تا میزان فروش را افزایش دهند. حجم فروش افزایش‌یافته‌ی تولید شده در موقعی



## تفاوت های بین مدیریت اقلام

### تعهدی اختیاری

#### و دست کاری فعالیت های واقعی

تفاوت اساسی بین مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و دست کاری فعالیت های واقعی در زمان بندی مدیریت سود<sup>۱۵</sup> است. در مقایسه با مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری، هر دست کاری در فعالیت های واقعی باید در دوره ای از سال به وقوع بپیوندد. دست کاری فعالیت های واقعی هنگامی رخ می دهد که پیش بینی مدیران حاکی از آن است که سود در برآورده ساختن اهداف مورد نظرشان با شکست مواجه خواهد شد، مگر آن که آن ها اعمالی را صورت دهند که از رویه ی عادی شرکت نشأت می گیرد و/ یا هنگامی که برخی عوامل دیگر (استانداردهای حسابداری سخت گیرانه) مدیریت اقلام تعهدی اختیاری را با محدودیت مواجه می سازند.

برای برآورده ساختن اهداف مرتبط با سود، مدیران می توانند تا پایان سال منتظر بمانند و از اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود گزارش شده استفاده کنند. این شیوه این ریسک را در بردارد که مقدار سودی که برای دست کاری مورد نیاز است بزرگ تر از اقلام تعهدی اختیاری موجود باشد زیرا اختیار موجود در رابطه با اقلام تعهدی توسط اصول عمومی پذیرفته شده ی حسابداری محدود شده است (بارتون و سیمکو، ۲۰۰۲). رویدادهای اقتصادی اساسی یک شرکت، توانایی مدیریت را برای گزارش سود مبتنی بر ارقام حسابداری با محدودیت مواجه می سازد. در نتیجه، اگر از اقلام تعهدی اختیاری در پایان سال استفاده شود، ممکن است اهداف مرتبط با سود دست یافته نشود. این ملاحظات، مدیریت اقلام تعهدی اختیاری را با محدودیت مواجه می سازد. در مقایسه، دست کاری

فعالیت های واقعی کم تر در معرض این محدودیت قرار می گیرند.

مزیت دیگر تغییر فعالیت های واقعی در جهت دست کاری سود این است که حسابرسان و قانون گذاران کم تر متوجه چنین رفتاری می شوند. از تفاوت های دیگر این دو شکل مدیریت سود می توان به این موضوع اشاره کرد که مدیریت اقلام تعهدی اختیاری در سال وقوع، نسبتاً مشخص است اما دست کاری فعالیت های واقعی به آسانی قابل تشخیص نیست.

باید توجه داشت که دست کاری فعالیت های واقعی، وسیله ی تغییر آرایش حساب ها نیست. مدیران در این روش، زمان انجام عملیات، نحوه ی تخصیص منابع و یا زمان اجرای پروژه های سرمایه گذاری را تغییر می دهند. فعالیت های مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی هیچ پیامد مستقیم جریان نقدی را به همراه ندارد (کوهن و زاروبین، ۲۰۰۸). مدیریت واقعی سود بر جریان های نقدی شرکت اثر مستقیم دارد. در این روش، وجوه نقد قربانی سود تعهدی می شود و مهم ترین ضرر آن، از بین رفتن ارزش شرکت به دلیل کاهش جریان های نقدی دوره های آتی است. مدیریت اقلام تعهدی نیز بدون هزینه نیست. کشف دست کاری اقلام تعهدی می تواند احتمال نیاز به بررسی های ویژه از جانب حسابرسان را به وجود آورد. همچنین ممکن است منجر به مجازات های مالی توسط جوامع حرفه ای قانونی (مانند بورس اوراق بهادار)، لزوم ارائه ی مجدد سود و بررسی موضوع در دادگاه های حقوقی شود (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷).

## هزینه های مربوط به دست کاری

### فعالیت های واقعی

معمولاً هنگامی که مدیران یک شرکت سود را دست کاری می کنند، شرکت متضرر می شود. قبل از هر چیز به خاطر آن که، هنگامی که مدیران سود را در جهت اهداف مورد نظر سود خود دست کاری می کنند، قراردادهای منعقد شده، شرکت را ملزم به دادن پاداش های مالی بیشتری به مدیر می نماید. دوم آن که، وقت و



هزینه‌های است که می‌تواند صرف فعالیت‌های مولد شود. از این رو، دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به طور همزمان هم می‌تواند منجر به کاهش عملکرد گردد و هم تعهدات مالی بیش‌تری را بر شرکت تحمیل نماید (دمسکی، ۲۰۰۴).<sup>۱۶</sup>

علاوه بر هزینه‌های بالا که به دلیل مدیریت سود روی می‌دهد (هم مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و هم مدیریت واقعی سود)، دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، هزینه‌های اقتصادی واقعی به همراه دارد. اگر یک مدیر از سطح بهینه‌ی فعالیت‌های عملیاتی واقعی منحرف گردد و درگیر دست‌کاری فعالیت‌های واقعی شود، احتمالاً شرکت دچار پیامدهای اقتصادی در بلندمدت خواهد شد. دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به طور غیرمستقیم بر عملکرد عملیاتی آتی شرکت تأثیر می‌گذارد زیرا مدیر تمایل دارد جریان‌های نقدی آتی را قربانی سود دوره‌ی جاری سازد. با در نظر گرفتن تنها یک دوره، اعداد و نسبت‌های حسابداری مبتنی بر درآمد یا سود می‌تواند مدیران را به داشتن دیدی کوتاه‌مدت تحریک سازد. برای مثال، مخارج جاری مثل هزینه‌های تحقیق و توسعه را در نظر بگیرد که سود جاری را کاهش می‌دهد و ممکن است منجر به ایجاد درآمد تا چند دوره تا آتی نگردد. اگر پاداش یک مدیر بر اساس سود جاری باشد، او تمایلی به متحمل شدن چنین هزینه‌هایی ندارد. روی چودهری (۲۰۰۶) اخیراً به استناد هزینه‌های عملیات و عملکرد کارآمد را که شرکت‌ها به منظور گزارش سود بالا متحمل می‌شوند، بررسی می‌کند. هزینه‌های دست‌کاری فعالیت‌های واقعی شامل این امکان می‌شود که جریان‌های نقدی در دوره‌ی آتی به طور غیرمستقیم تحت تأثیر اعمالی باشد که در این دوره در جهت افزایش سود صورت گرفته است. برای مثال، تخفیفات قیمتی که در هر دوره به منظور افزایش سود کل و برآورده ساختن برخی اهداف کوتاه‌مدت ارائه می‌شود، می‌تواند به این مساله منجر شود که مشتریان چنین تخفیفاتی را در دوره‌های آتی نیز انتظار داشته باشند، که این خود منجر به کاهش جریان‌های نقدی ورودی حاصل از

فروش در آینده خواهد شد. روی چودهری، همچنین نتیجه می‌گیرد که شرکت‌هایی که سود سالانه‌ی مثبت کم گزارش می‌کنند، دارای جریان نقدی عملیاتی پایین غیرعادی و همچنین هزینه‌های تولید بالای غیرعادی هستند، که حاکی از وجود شواهدی مبنی بر دست‌کاری از طریق فعالیت‌های واقعی است.

براساس مطالعات گذشته در مورد دست‌کاری فعالیت‌های واقعی (از جمله زانگ ۲۰۰۵،<sup>۱۷</sup> گانی ۲۰۰۵،<sup>۱۸</sup> روی چودهری ۲۰۰۶،<sup>۱۹</sup> دست‌کاری فعالیت‌های واقعی زیر مطرح می‌شود: دست‌کاری در فروش،<sup>۲۰</sup> کاهش مخارج اختیاری<sup>۲۱</sup> و تولید بیش از حد (اضافه تولید).<sup>۲۲</sup>

روی چودهری (۲۰۰۶) دست‌کاری در فروش را به صورت تلاش‌های مدیریت در جهت افزایش موقتی فروش در طول سال تعریف می‌کند که از طریق ارائه‌ی تخفیفات قیمت و یا شرایط اعتباری آسان‌تر حاصل می‌شود و جریان‌های نقدی ورودی برای فروش را کاهش می‌دهد. بنابراین انتظار می‌رود دست‌کاری در فروش منجر به جریان‌های نقدی حاصل از عملیات CFO<sup>۲۳</sup> کم‌تر در دوره‌ی جاری گردد.

نوع دیگر دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، کاهش هزینه‌های اختیاری است. اگر مدیران، برای بالا بردن سود به اهداف موردنظر، به طور غیرعادی، مخارج اختیاری را کاهش دهند (به عنوان مثال هزینه‌ی تحقیق و توسعه، تبلیغات و هزینه‌های اداری، تشکیلاتی و فروش) انتظار می‌رود هزینه‌های اختیاری پایین باشد.

مخارج اختیاری مانند تحقیق و توسعه، تبلیغات و مخارج نگهداری، معمولاً در دوره‌ی وقوع به هزینه منظور می‌شوند. از این رو، شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از کاهش مخارج اختیاری، هزینه‌های گزارش شده را کاهش و سود را افزایش دهند. این عمل، به‌ویژه زمانی که مدیران صرف دست‌کاری فعالیت‌های واقعی می‌کنند اغلب همان وقت و هزینه‌ای است که می‌تواند صرف فعالیت‌های مولد شود. از این رو، دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به طور همزمان هم می‌تواند

منجر به کاهش عملکرد گردد و هم تعهدات مالی بیش‌تری را بر شرکت تحمیل نماید (دمسکی، ۲۰۰۴).<sup>۱۶</sup> علاوه بر هزینه‌های بالا که به دلیل مدیریت سود روی می‌دهد (هم مدیریت واقعی سود)، دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، هزینه‌های اقتصادی واقعی به همراه دارد. اگر یک مدیر از سطح بهینه‌ی فعالیت‌های عملیاتی واقعی منحرف گردد و درگیر دست‌کاری فعالیت‌های واقعی شود، احتمالاً شرکت دچار پیامدهای اقتصادی در بلندمدت خواهد شد. دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به طور غیرمستقیم بر عملکرد عملیاتی آتی شرکت تأثیر می‌گذارد زیرا مدیر تمایل دارد جریان‌های نقدی آتی را قربانی سود دوره‌ی جاری سازد. با در نظر گرفتن تنها یک دوره، اعداد و نسبت‌های حسابداری مبتنی بر درآمد یا سود می‌تواند مدیران را به داشتن دیدی کوتاه‌مدت تحریک سازد. برای مثال، مخارج جاری مثل هزینه‌های تحقیق و توسعه را در نظر بگیرد که سود جاری را کاهش می‌دهد و ممکن است منجر به ایجاد درآمد تا چند دوره تا آتی نگردد. اگر پاداش یک مدیر بر اساس سود جاری باشد، او تمایلی به متحمل شدن چنین هزینه‌هایی ندارد.

روی چودهری (۲۰۰۶) اخیراً به استناد هزینه‌های عملیات و عملکرد کارآمد را که شرکت‌ها به منظور گزارش سود بالا متحمل می‌شوند، بررسی می‌کند. هزینه‌های دست‌کاری فعالیت‌های واقعی شامل این امکان می‌شود که جریان‌های نقدی در دوره‌ی آتی به طور غیرمستقیم تحت تأثیر اعمالی باشد که در این دوره در جهت افزایش سود صورت گرفته است. برای مثال، تخفیفات قیمتی که در هر دوره به منظور افزایش سود کل و برآورده ساختن برخی اهداف کوتاه‌مدت رخ می‌دهد، که چنین مخارجی موجب کسب درآمد و سود فوری نگردد. اگر مدیران مخارج اختیاری را به‌منظور کسب اهداف سودآوری کاهش دهند، مجبورند که این مخارج را به‌صورت غیرعادی در سطح پایین نشان دهند. مجموع هزینه‌ی تبلیغات و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش به‌عنوان مخارج اختیاری تعریف

paper. University of Colorado.  
 9. Healy, P., and J. Wahlen. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons* 13 (4): 36583-  
 10. Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics* 42 (December): 335370-  
 11. Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizon* 3: 91102-  
 12. Thomas, J. K., and H. Zhang. 2002. Inventory changes and future returns. *Review of Accounting Studies* 7: 163-187.  
 13. Zang, A. (2005). Evidence on the tradeoff between real manipulation and accrual manipulation. Working paper. University of Rochester.

این تصمیمات، نحوه‌ی تخصیص منابع و انتخاب برخی پروژه‌ها برای سرمایه‌گذاری اقدام به مدیریت سود می‌نماید. برخلاف مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری، کشف مدیریت واقعی سود توسط حساب‌برسان معمولاً به‌سختی انجام می‌شود. باید توجه داشت که مدیریت واقعی سود با کاهش جریان‌های نقدی آتی می‌تواند منجر به کاهش عملکرد عملیاتی بلندمدت، لطمات جبران‌ناپذیری به شرکت وارد آورد.

می‌شود (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷). نوع سوم دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، تولید کالاها یا مزاد بر میزان لازم برای برآورده‌ساختن تقاضای مورد انتظار (از جمله اضافه تولید) است، اضافه تولید، بهای تمام‌شده‌ی کالاها یا فروش‌رفته (COGS) را کاهش می‌دهد، که منجر به حاشیه‌ی عملیاتی بالاتر می‌شود. به‌هرحال، هزینه‌های تولید و نگهداری اضافی ممکن است تحمل شود و به احتمال زیاد باعث افزایش هزینه‌های نهایی می‌شود، که در نهایت منجر به هزینه‌های تولید سالانه‌ی بالاتر نسبت به فروش می‌شود.

## منابع

۱. ولی زاده لاریجانی، زهرا؛ (۱۳۸۷). نتایج مدیریت واقعی سود، پایان‌نامه‌ی منتشر نشده، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء.  
 2. Baber, W., P. Fairfield, and J. Haggard. (1991). The effect of concern about reported income on discretionary spending decisions: The case of research and development. *The Accounting Review* 66 (4): 818829-  
 3. Bar-Gill, O., and L. Bebchuk. (2003). Misreporting corporate governance. Working paper. Harvard University.  
 4. Barton, J. and P. Simko. (2002). The balance sheet as an earnings management constraint. *The Accounting Review* 77: 127-  
 5. Bhojraj, Sanjeev, and R. Libby. (2005). Capital market pressure, disclosure frequency included earnings/cash flow conflict, and managerial myopia. *The Accounting Review* 80(1).  
 6. Cohen D. A., Zarowin P. (2008). "Accrual-Based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings". Working paper, Available at <http://ssrn.com/abstract=1081939>.  
 7. Demski, J. (2004). Endogenous expectations. *The Accounting Review* 79: 519539-  
 8. Gunny, K. (2005). What are the consequences of real earnings management?

## پی‌نوشت‌ها

- 1- Private Gain
- 2- Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)
- 3- Barton and Simko
- 4- Real Operating Activities
- 5- Bushee
- 6- Baber
- 7- Cash Flow from Operations
- 8- Thomas and Zhang
- 9- Overproduction
- 10- Cost of Good Sold
- 11- Profitability Margin
- 12- Roychowdhury
- 13- Bar-Gill and Bebchuk
- 14- Bhojraj and Libby
- 15- The Timing of Earnings Management
- 16- Demski
- 17- Zang
- 18- Gunny
- 19- Roychowdhury
- 20- Sales Manipulation
- 21- Reduction of Discretionary Expenditures
- 22- Overproduction
- 23- Cash Flow from Operations

مدیران شرکت‌های تولیدی به‌منظور بالا نشان دادن سود می‌توانند اقدام به تولید بیش از حد محصولات کنند. چنانچه سطح تولید افزایش یابد، هزینه‌های سربار تولید به تعداد محصول بیش‌تری سرشکن شده و در نتیجه هزینه‌ی ثابت هر واحد کالا کاهش می‌یابد. اگر، کاهش هزینه‌ی ثابت هر واحد تولیدشده با افزایش هزینه‌ی نهایی در تولید آن تهاتر نشود، هزینه‌ی کل هر واحد محصول کم می‌شود. در نتیجه، بهای تمام‌شده‌ی کالای فروش‌رفته پایین‌تر و حاشیه‌ی سود عملیاتی شرکت بهتر نشان داده می‌شود. با این حال، مدیران زمانی تمایل به تولید بیش از حد دارند که کاهش در هزینه‌های تولید بیش‌تر از هزینه‌های نگهداری موجودی کالا در آن دوره باشد (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷).

## نتیجه‌گیری

در این مقاله دو شکل مدیریت سود یعنی مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری (مدیریت اقلام تعهدی اختیاری) و مدیریت واقعی سود (دست‌کاری فعالیت‌های واقعی) بررسی و تفاوت‌های آن‌ها تشریح شد. در مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری، مدیریت از طریق روش‌های حسابداری، و در پایان سال با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری، سود را در جهت اهداف خویش دست‌کاری می‌نماید اما در مدیریت واقعی سود مدیر از طریق تصمیمات عملیاتی (زمان بندی